

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ بِهٖ نَسْتَعِیْنُ؛ اِنَّهٗ خَیْرٌ نٰصِرٍ وَ مُعِیْنٍ

وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ الطّٰهَرِیْنَ



مطالب جلسہ ی ۱۴ شہریور ۱۳۹۲، ۲۸ شوال ۱۴۳۴

ماه ذی القعدة

ماه شوال، روزهای پایانی خود را طی می‌کند و در آستانه‌ی ماه ذی‌القعدة قرار گرفته‌ایم. چهار ماه از ماه‌های سال به‌تعبیر قرآن: «مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ»^۱ هستند؛ یعنی از ماه‌های حرام و مورد احترامند؛ که حرمت ویژه و احکام خاص خود را دارند و در آنها باید حریم خاصی را مراعات کرد. سه ماه از این چهارماه حرام پی‌درپی و پیوسته است؛ که با ماه ذی‌القعدة شروع می‌شود؛ در پی آن ماه ذی‌الحجه و به‌دنبال آن، ماه محرم‌الحرام است. چهارمین ماه حرام رجب‌المرجّب است، که با فاصله از آنها قرار گرفته است. در سال‌های گذشته در مورد ویژگی‌های ماه‌های حرام، به‌صورت مشروح خدمت عزیزان صحبت کرده‌ایم. می‌توانید به فایل صحبت‌ها مراجعه فرمایید.^۲

اولین روز ماه ذی‌القعدة

بنابه روایات، روز اول ماه ذی‌القعدة اولین روز اخراج حضرت آدم و همسرش حوا علیهم‌السلام از بهشت بود.^۳ حضرت آدم علیه‌السلام از این روز به‌مدت چهل روز در فراق بهشت گریست^۴ و خدای متعال بعد از چهل روز، در روز عرفه (یعنی نهمین روز ماه ذی‌الحجه و در آستانه‌ی روز دهم این ماه) توبه‌ی او را پذیرفت؛ لذا روز عرفه، جایگاه بلندی در مقام توبه، انابه، دعا و مناجات دارد. به‌تعبیر دیگر، روز اول ماه ذی‌القعدة روز آغاز چهله‌نشینی است. چهله‌ی کلیمیه یا موسویه از روز اول ماه ذی‌القعدة شروع می‌شود و تا روز عرفه ادامه پیدا می‌کند.

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۳۶.

۲. سایت اهل ولاء، سخنان استاد، بخش مراقبات عبادی و اعمال مستحبی در سلوک عرفانی، قسمت ماه‌های حرام.

۳. مجلسی، بحار، ج ۱۱، ص ۱۷۸ و ج ۹۸، ص ۱۸۹ و ج ۹۹، ص ۳۵.

۴. مجلسی، بحار، ج ۱۱، ص ۱۷۸ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۹، ص ۳۲۹ و قمی، علی‌بن‌ابراهیم، تفسیرالقمی، ج ۱، ص ۴۳ و ۴۴.

امیدواریم بتوانیم حرمت این ماه حرام را که در آستانه‌ی آن قرار گرفته‌ایم، نگه داریم. ماهی که در آن، حسنات آثار مضاعفی می‌بخشد و سیئات هم خسارات مضاعفی در پی می‌آورد. ماه حرام، ماه حرمت جنگ، مگر در مقام دفاع است. در این چهار ماه بر مسلمان‌ها حرام است با خلق به جنگ ابتدایی پردازند؛ حال اگر خدایی نکرده کسی در این ماه‌ها با ارتکاب معاصی به جنگ با خدا برود، چه عمل خطرناکی انجام داده است!

چهل‌نشین

جایگاه ویژه‌ی عدد چهل در قرآن و روایات

عدد چهل رمز و راز خاصی در نظام تکوین و تشریح و در جنبه‌های ظاهری و باطنی دارد. احادیث و روایات بسیاری به لحاظ‌های مختلف، تأکید ویژه‌ی بر عدد چهل کرده‌اند؛ که آنها را بدون تفکیک جنبه‌های تکوینی و تشریحی از هم و فهرست‌وار و به‌سرعت به آنها اشاره می‌کنم.

روایت داریم به کسانی که به چهل‌سالگی می‌رسند، گفته می‌شود: حذر خود را بردار؛ که دیگر عذری از تو پذیرفته نیست.^۵ اگر تا قبل از چهل‌سالگی با عذر ناپختگی، لغزش‌هایی از تو سر می‌زد، از این به بعد از تو پذیرفتنی نیست. «مَنْ بَلَغَ أَرْبَعِينَ» کسی که به چهل‌سالگی برسد؛ ولی به آن پختگی و ثبات نرسیده باشد و یک تکیه‌گاه استوار در وجود او نباشد، که نلغزد و در وادی گناهان فرو نغلطد، به او می‌گویند: دیگر عذری از تو نمی‌پذیریم؛ زیرا به تو فرصت دادیم که به رشد و قوام

^۵. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۵۵ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۰۱ و مجلسی، بحار، ج ۷۰، ص ۳۸۹.

برسی. این حدیث هم که «مَنْ بَلَغَ أَرْبَعِينَ وَ لَمْ يَتَعَصَّ فَقَدْ عَصَا»^۶ کسی به چهل سالگی برسد؛ اما عصایی برای خود اختیار نکرده باشد، مرتکب معصیت شده است؛ شاید اشاره به همین نکته است والا معمولاً انسان‌ها در سنّ چهل سالگی از نظر جسمی نیازی به تکیه دادن به عصا ندارند. این عصا همان تکیه‌گاه ایمانی و یقین و باور باطنی است که انسان را از لغزیدن و فرو افتادن در وادی معصیت حفظ می‌کند.

روایت بعدی که در آن به عدد چهل اشاره شده است، روایتی از امام عسکری علیه السلام است؛ که یکی از پنج شاخصه‌ی انسان مؤمن را «زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ» بیان فرموده‌اند.^۷ مقصود از زیارت اربعین یا این است که چهل مؤمن را زیارت کند و یا اینکه در روز اربعین حسینی به زیارت مرقد مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام برود. در معانی زیارت اربعین بحث‌های مختلفی وجود دارد؛ ولی در این روایت هم عدد چهل ذکر شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: بعد از چهل سالگی پیری انسان آغاز می‌شود.^۸ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت داریم که چهل ساله‌ها، کشتی هستند که هنگام درو شدن آنها فرا رسیده است؛^۹ یعنی انسان از چهل سالگی باید آماده‌ی درو شدن با داس مرگ باشد. امیدواریم

^۶. سید مهدی بحر العلوم، رساله‌ی سیر و سلوک، با مقدمه و شرح سید محمد حسین حسینی طهرانی، ص ۳۴.

^۷. حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۸ و مجلسی، بحار، ج ۹۵، ص ۳۴۸ و سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۵۸۹.

^۸. حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۲ و مجلسی، بحار، ج ۷۵، ص ۲۵۳ و ابن شعبه‌ی حرّانی، تحف العقول، ص ۳۷۰.

^۹. مجلسی، بحار، ج ۷۰، ص ۳۹۱ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۷ و محدث قمی، سفینه البحار، ج ۶، ص ۴۵۴.

چهل ساله‌ها به میوه نشسته باشند که وقتی آنها را می‌دروند، چیز ارزشمندی به دست آید؛ نه علف‌های هرز!

پیامبر ﷺ فرمودند: کسی که به چهل سال برسد و خیر او بر شرش غالب نیاید، باید برای دوزخ مجهز باشد.^{۱۰}

ایشان در روایت دیگری فرمودند: کسی که به چهل سالگی برسد و کفّی سیئات او از کفّی حسناتش سنگین‌تر باشد، شیطان بر پیشانی او بوسه می‌زند و می‌گوید: قربان این چهره بروم که نور فلاح در آن نیست و دیده نمی‌شود و برای صاحب این چهره رستگاری نخواهد بود.^{۱۱} در همه‌ی این روایات عدد چهل وجود دارد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: اگر کسی چهل حدیث را برای امت من حفظ کند، که امتم از آن منتفع شوند، در روز قیامت او «فقیهاً عالماً»، فقیه و عالم محشور می‌شود.^{۱۲}

امام صادق علی‌ه‌السلام فرمودند: اگر چهل نفر دعا کنند؛ یا چهارنفر، هریک ده بار دعا کنند و یا یک نفر چهل بار دعا کند، آن دعا مستجاب خواهد شد.^{۱۳}

همین‌طور استحباب دعا برای چهل مؤمن در قنوت نماز وتر [وتر]؛ که امیدوارم به خواندن این نماز در سحرگاهان موفق باشید. مستحب است انسان قبل از اینکه به دعا برای خود بپردازد، حداقل چهل نفر را مقدم بر خویشتن دعا کند و این زمینه‌ای خواهد شد که دعاهای او برای خود

^{۱۰}. طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۱۶۹ و دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۵ و ورام‌بن ابی‌فرس، مجموعة ورام، ج ۱، ص ۳۵.

^{۱۱}. طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۱۶۹.

^{۱۲}. حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۹۹ و مجلسی، بحار، ج ۲، ص ۱۵۶ و محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۹۰.

^{۱۳}. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۷ و حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۳ و مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۳۱۶.

در مقام استغفار، توبه، طلب تعالی و کمال و یا درخواست حاجات نیز، مورد اجابت الهی قرار گیرد.^{۱۴}

حدیثی داریم که اگر انسان از چهل نفر بخواهد برای او دعا کنند، دعای او مستجاب می‌شود.^{۱۵} رسول خدا ﷺ فرمودند: همسایه‌های هرکس تا چهل خانه از هر سمت هستند.^{۱۶} (در روایات، حقوق همسایگی بحث مفصّلی است).

امام باقر علیه السلام فرمودند: مراحل رشد جنین در رحم مادر، از انعقاد نطفه تا رسیدن به کمال، دوره‌های چهل‌روزه است. جنین در هر چهل روز دارای کیفیت ویژه‌ای است و یکی از مراحل تکامل را طی می‌کند، تا به کمالی برسد و نهایتاً فرزند آماده‌ی ورود به دنیا شود و متولد گردد.^{۱۷} امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر کسی چهل روز گوشت نخورد، بد اخلاق، بد خو و تندخو می‌شود.^{۱۸} لذا ترک خوردن گوشت بیش از چهل روز مکروه است.

روایت داریم کسی که شراب بنوشد، نماز او تا چهل روز حبس می‌شود؛ بالا نمی‌رود و موجب تعالی او نخواهد شد.^{۱۹} خوردن شراب تا چهل روز، در وجود شخص آثار خنثی‌کننده‌ای برای عبادات و اعمال صالح دارد.

۱۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۰۹ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۷ و ج ۷، ص ۱۱۸ و مجلسی، بحار، ج ۸۴، ص ۲۲۱ و، ج ۹۰، ص ۳۸۳ و صدوق، امالی، ص ۳۷۹.

۱۵. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۷.

۱۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۶۶ و ۶۶۹ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳۲ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۸، ص ۴۳۱.

۱۷. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۳ و مجلسی، بحار، ج ۵۷، ص ۳۴۳ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۲۶۶.

۱۸. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۰۹ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۲ و مجلسی، بحار، ج ۶۳، ص ۶۷.

روایت دیگری داریم که اگر کسی شراب بخورد، دعایش تا چهل روز مورد اجابت قرار نمی‌گیرد.^{۲۰}
همچنین روایت شده است: دعای کسی که غیبت کند، یا غیبت بشنود و به آن گوش بسپارد، تا
چهل روز مستجاب نمی‌شود.^{۲۱}

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر در منزلی چهل روز موسیقی نواخته شود، یا صدای موسیقی در آن
پخش شود، حیا و غیرت از اهل آن خانه برمی‌خیزد و از بین می‌رود.^{۲۲} این مطلب به‌طور مطلق
گفته شده است؛ در این روایت حرف از موسیقی مثلاً صداوسیما و موسیقی مجاز یا غیرمجاز
نیست.

امام صادق علیه السلام فرمودند: بنده که به چهل‌سالگی می‌رسد، از جانب خدا به ملائکه‌ای که بر او موکل
هستند و اعمال او را تحت نظارت و ثبت قرار می‌دهند، خطاب می‌شود: تاکنون بر او سهل
گرفته‌ایم. از این پس همه‌ی اعمال او را ریزبینانه و نکته‌سنجانه تحت نظارت قرار دهید و ریز و
درشت آنها را ثبت کنید.^{۲۳}

۱۹. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۰۲ و مجلسی، بحار، ج ۷۶، ص ۱۴۰ و محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۵۷.

۲۰. مجلسی، بحار، ج ۶۳، ص ۳۱۴ و محدث‌قمی، سفینة البحار، ج ۱، ص ۱۰۲ و ابن‌فهدحلی، عده‌الدّاعی، ص ۱۴۱.

۲۱. مجلسی، بحار، ج ۷۲، ص ۲۵۸ و محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۲۲ و شعیری، جامع‌الآخبار، ص ۱۴۶.

۲۲. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۳۴ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۳ و مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۲۲، ص ۳۰۵.

۲۳. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۰۸ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۰۰ و مجلسی، بحار، ج ۷۰، ص ۳۸۸.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: کسی که چهل سال مؤذن باشد و اذان بگوید، خداوند او را با عمل چهل صدیق محشور می‌کند؛^{۲۴} یعنی در نامه‌ی اعمال او عمل چهل انسان صدیق (که صدیقان مرتبه‌ی بزرگی دارند) ثبت می‌شود.

روایت شده است کسی که موقت شود چهل بار حج بگذارد، به او اذن شفاعت داده می‌شود و دری از رحمت الهی به روی او و هر کس را که او شفاعت کند، باز می‌شود.^{۲۵}

از اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: جنازه و جسد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و وصی ایشان عَلَيْهِ السَّلَام، بیش از چهل روز در زمین و قبر باقی نمی‌ماند؛ بلکه بعد از آن به روح او ملحق می‌شود و به آسمان می‌رود.^{۲۶}

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: خداوند به داوود پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام وحی کرد: تو بنده‌ی خوبی هستی؛ فقط یک نقص داری و آن این است که از بیت‌المال می‌خوری؛ خودت کار و فعالیت نداری که نیازهای زندگی را از آن راه تأمین کنی و در کنارش هم بدون اینکه دستت به بیت‌المال دراز شود، به تبلیغ دین پردازی. پس از آمدن این خطاب از جانب خدا، داوود پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام چهل روز گریست. بعد از چهل روز گریه، خدای متعال آهن را در دست ایشان نرم کرد و صنعت زره‌بافی را به ایشان الهام نمود و آموخت. حضرت داوود عَلَيْهِ السَّلَام با این حرفه هزینه‌های زندگی خود را تأمین می‌کردند و کارهای تبلیغی، فرهنگی و آموزش دینی‌شان را بدون دریافت مزد و مواجبی از بیت‌المال، انجام می‌دادند.^{۲۷}

^{۲۴}. حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۵ و مجلسی، بحار، ج ۸۱، ص ۱۲۴ و صدوق، من‌لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۳.

^{۲۵}. حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۳۰ و صدوق، من‌لایحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۷ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۱۲، ص ۲۴۳.

^{۲۶}. مجلسی، بحار، ج ۹۷، ص ۱۳۰ و طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۱۰۶ و مفید، کتاب‌المزار، ص ۲۲۰ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۱۴، ص ۱۳۳۹.

^{۲۷}. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۷۴ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷ و طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۳۲۶.

روایت داریم هنگامی که مادر امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه بنت اسد علیها السلام، از دنیا رفتند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نمازی که بر پیکر ایشان خواندند، چهل تکبیر گفتند^{۲۸} و این خیلی فوق العاده است. طبق فقه ما پنج تکبیر برای نماز میت کافی است؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر پیکر مادر امیرالمؤمنین علیه السلام چهل بار تکبیر گفتند؛ زیرا مادر امیرالمؤمنین علیه السلام، هم برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هم برای امیرالمؤمنین علیه السلام نقش مادری ایفا کرده بودند و شخصیت فوق العاده ای هستند.

حدیث داریم کسی که از دنیا رفت، خوب است تا چهل روز بر قبر او آبی پاشیده شود.^{۲۹}
 امام صادق علیه السلام فرمودند: امام سجاد علیه السلام بعد از واقعه ی عاشورا، چهل سال بر مظلومیت پدر بزرگوارشان گریستند.^{۳۰}

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر چهل مؤمن بر خوبی کسی که از دنیا رفته است، شهادت بدهند، خدای متعال از اطلاعاتی که درباره ی او دارد و همین طور از عیبها و نقص هایی که از او خبر دارد، صرف نظر می کند و شهادت چهل مؤمنی را که بر خوبی آن متوقی شهادت داده اند، ملاک نحوه ی عمل با او قرار می دهد.^{۳۱}

^{۲۸}. بحار، ج ۳۵، ص ۷۰ و صدوق، امالی، ص ۳۱۴ و حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۹۵.

^{۲۹}. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۱۹۷ و محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۶ و مجلسی، بحار، ج ۷۹.

^{۳۰}. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۷۸ و مجلسی، بحار، ج ۴۵، ص ۱۴۹ و شهیدثانی، مسکن الفؤاد، ص ۱۰۰ و سیدبن طاووس، لهوف، ص ۲۰۹.

^{۳۱}. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۸۵ و مجلسی، بحار، ج ۷۸، ص ۳۷۶ و صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۳۸.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: اگر کسی بعد از نمازهای واجب چهل بار تسبیحات اربعه بگوید و بعد از آن دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود و مورد اجابت الهی قرار می‌گیرد.^{۳۲} اینجا روایت به‌طور خاص در مورد تسبیحات اربعه است؛ اما احادیث دیگری در مورد اذکار دیگر، نظیر ذکر «اللَّهُ أَكْبَرُ» یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^{۳۳} و امثال آنها هم بیان شده است؛ که نمی‌خواهیم وارد آن شویم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر فردی چهل قدم با مؤمنی همقدم و همراه شود، آن مؤمن، حقی برگردن این شخص پیدا می‌کند که فردای قیامت خدای متعال در مورد آن حق، از این فرد بازخواست می‌کند و توضیح می‌خواهد؛ که آیا حق او را ادا کردی یا خیر؟^{۳۴}

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر کسی در مورد اباعبدالله الحسین علیه السلام شعری بگوید، یا شعری که دیگران گفته‌اند را بخواند و با این کار چهل نفر را بگریاند، بهشت از آن او خواهد بود و او بهشتی می‌شود.^{۳۵}

حدیثی در مورد بهلول نباش داریم؛ همان جوان غافل و معصیت‌کاری که حرفه‌اش نبش قبرها و کفن‌دزدی بود. او قبری را نبش کرد، که دختر جوانی در آنجا مدفون بود و در آنجا مرتکب معصیت هولناکی شد. بعد هم که پشیمان شد، به شدت مورد طرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت و مدت چهل روز

۳۲. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۵۵ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۱ و صدوق، امالی، ص ۱۸۳.

۳۳. مجلسی، بحار، ج ۹۲، ص ۱۹ و ابن‌فهدحلی، عدّة الدّاعی، ص ۲۷۳.

مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۱۵۳ و نوری، مستدرک، ج ۵، ص ۹۲.

۳۴. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۲ و مجلسی، بحار، ج ۷۱، ص ۱۵۸ و طوسی، امالی، ص ۴۱۳.

۳۵. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۹۶ و صدوق، ثواب الاعمال، ص ۸۴ و ابن‌قولویه، کامل‌الزیارت، ص ۱۰۵.

به شدت گریست. خدای متعال بعد از روز چهارم توبه‌ی او را پذیرفت و به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی کرد به او خبر دهد، توبه‌ی او مورد قبول درگاه الهی قرار گرفته است.^{۳۶} ماجرای او شنیدنی است؛ اما فرصت نیست که توضیح دهم.

امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: اگر کسی چهل روز ایمان خود را به خدا خالص کند، خداوند او را نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌کند؛ زهد نسبت به دنیا را به او عطا می‌فرماید؛ درد و درمان‌های دنیا را به او نشان می‌دهد؛ حکمت را در قلبش تثبیت و زبان او را به حکمت گویا می‌کند.^{۳۷}

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سنّ چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند.^{۳۸}

در ماجرای ازدواج نخستین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، که ازدواج آن حضرت با همسر بزرگوارشان حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام بود؛ حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام در هنگام ازدواج با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چهل ساله بودند.^{۳۹} در مورد تأثیر خواندن زیارت عاشورای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در چهل روز پیاپی، نقل‌های متعددی وارد شده است.^{۴۰} ختم چهل روزه‌ی زیارت عاشورا آثار فوق‌العاده‌ای دارد.

روایت داریم اگر چهل مؤمن برای رفع مشکل یک نفر دعا کنند، آن دعا مورد اجابت قرار خواهد گرفت.^{۴۱}

^{۳۶}. مجلسی، بحار، ج ۶، ص ۲۵ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۳۴ و صدوق، امالی، ص ۴۴.

^{۳۷}. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶ و مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۲۴۰ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۹۵ و فیض کاشانی، الوافی، ج ۴، ص

۳۷۶.

^{۳۸}. مجلسی، بحار، ج ۱۸، ص ۲۰۴ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲ و ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۱۷۳.

^{۳۹}. اربلی، کشف القمّة، ج ۱، ص ۵۱۳ و مجلسی، بحار، ج ۱۶، ص ۱۹.

^{۴۰}. محدث قمی، تحفة الرّضویّة، ص ۲۰۲ و احمد تقدّسی نیا، دوهزار و یک ختم.

^{۴۱}. مجلسی، بحار، ج ۷۸، ص ۳۷۴ و نوری، مستدرک، ج ۲، ص ۲۴۶ و ابن حیّون، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۵؛

روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد دعای عهد (دعای عهد نسبتاً طولانی تر که در مفاتیح نقل شده است و با «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ؛ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ» شروع می شود) وجود دارد، که حضرت فرمودند: اگر کسی چهل صبح بر خواندن دعای عهد مداومت کند، از یاوران امام مهدی ارواحنا فدا خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن بزرگوار از دنیا برود، هنگام قیام امام عصر ارواحنا فدا رجعت می کند؛ زنده می شود و به دنیا باز می گردد و جزء اصحاب حضرت بقیة الله ارواحنا فدا در خدمت ایشان خواهد بود و به آن بزرگوار خدمت خواهد کرد.^{۴۲}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر کسی چهل روز لقمه‌ی حلال بخورد، قلب او نورانیت پیدا می کند.^{۴۳} فقط چهل روز خوردن لقمه‌ی حلال چنین آثاری دارد!

بنابر روایات عذابی که خداوند بر فرعونیان نازل کرد، بعد از چهل روز مداومت حضرت موسی علیه السلام همراه برادرشان هارون علیه السلام در دعا کردن علیه فرعونیان بود.^{۴۴}

امام صادق علیه السلام فرمودند: انسان تا چهل سال برای نیل به رستگاری مهلت دارد. «إِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَتَدَّ بَلَغَ مُنْتَهَاهُ» وقتی به چهل سالگی رسید، به انتهای فرصت خود رسیده است.^{۴۵}

^{۴۲}. مجلسی، بحار، ج ۹۱، ص ۴۲ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۹۳ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای عهد.

^{۴۳}. مجلسی، بحار، ج ۱۰۰، ص ۱۶ و محدث قمی، سفینة البحار، ج ۲، ص ۳۱۹ و ابن فهد حلی، عدّة الداعی، ص ۱۵۳.

^{۴۴}. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۲۳ و مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۵۸ و مجلسی، بحار، ج ۱۳، ص ۱۲۸ و صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۴۰ و عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۰۰.

^{۴۵}. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۰۲ و مجلسی، بحار، ج ۷۰، ص ۳۸۹ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۶.

در ماجرای انعقاد نطفه‌ی فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها، پیامبر و خدیجه‌سلام‌الله‌علیها، به امر الهی چهل روز از هم جدا بودند. حضرت خدیجه عَلِیْهَا السَّلَامُ در خانه و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غار حراء مشغول عبادت، خلوت، ذکر و فکر بودند. پس از آن وجود این دو مستعد شد تا نطفه‌ی سیده‌ی نساء عالمین عَلِیْهَا السَّلَامُ منعقد گردد و آن نور پاک به این عالم منتقل شود.^{۴۶}

به تصریح قرآن، بنی‌اسرائیل به کیفر عهدشکنی، ناسپاسی و نافرمانی‌شان، به‌مدت چهل سال در وادی تیه، سرگردان ماندند.^{۴۷}

در حدیث قدسی است که خداوند متعال درباره‌ی ماجرای خلقت حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «خَمْرَتْ طِينَةَ آدَمَ بِيَدِي أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»^{۴۸} گلِ آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را چهل روز با دست و ید قدرت خود سرشتم.

شبهه این روایات، فراوان داریم که عدد چهل در آن مورد توجه قرار گرفته است. اجازه دهید زمان را به این بحث صرف نکنیم. نکته‌ی مهمی که خواستم عرض کنم، این بود که عدد چهل جایگاه ویژه‌ای در نظام تکوین و تشریح دارد و در روایات ما به این تأثیر فوق‌العاده تصریح شده است؛ لذا برای اهل سلوک سنتی تحت عنوان چهل‌نشینی وجود دارد؛ که افراد به‌مدت چهل روز مشغول عبادات خاصی می‌شوند.

^{۴۶}. مجلسی، بحار، ج ۱۶، ص ۷۸ و رضی‌الدین حلی، العدد القویة، ص ۲۲۰ و شامی، الدرالنظیم، ص ۴۵۲.

^{۴۷}. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲۶.

^{۴۸}. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللئالی العزیزیه، ج ۴، ص ۹۸.

فلسفه و اهداف چهله‌نشینی

۱. مداومت بر عمل و تأثیر آن: ابتدا فلسفه‌ی چهله‌نشینی را عرض می‌کنم. شرط تأثیر عمل، مداومت بر عمل است. بعضاً به روایات آن در بحث‌های دیگر مانند شرح کتاب‌های مصباح‌الهدی^۱ و شراب طهور اشاره کرده‌ایم.^{۴۹} عمل قلیلی که مداومت دارد، بهتر از عمل کثیری است که فرد مدتی انجام می‌دهد و سپس آن را رها می‌کند.^{۵۰} مداومت برای این است که عمل نفوذ کند و باطن انسان را متحوّل سازد؛ چون هدف از انجام اعمال، رسیدن به ملکات، روحیات و سپس بینش‌ها و معارف قلبی و باطنی است. عمل هدف نیست؛ بلکه وسیله است. برای اینکه وسیله به هدف منجر شود، باید عمل مداومت داشته باشد. انسان با تکرار عمل به ملکه دست پیدا می‌کند و به خصوصیات روحی و اخلاقی نائل می‌شود؛ لذا یکی از دلایل مطرح شدن بحث چهله‌نشینی، همین است که انسان عملی را حداقل چهل روز ادامه دهد. مضافاً بر اینکه در آغاز راه وقتی انسان شروع به انجام عملی می‌کند، برای او سخت است و با دشواری انجام می‌دهد؛ اما وقتی مدتی آن عمل را تکرار کرد، انجام آن برای او آسان، سهل و روان می‌شود و عمل بدون زحمت، سختی و کلنجار رفتن فرد با خودش، از او صادر می‌شود. سالک ابتدا باید عمل را به خود تحمیل کند؛ اما به تدریج وقتی آن عمل، به اصطلاح امروزی‌ها نهادینه شد و باطن انسان به مقتضای آن شکل گرفت، از آن پس آن عمل از باطن به ظاهر انسان سرایت می‌کند. اول فرد با ظاهر تلاش می‌کند باطن خود را تغییر دهد؛ اما وقتی باطن شکل گرفت، به ظاهر انسان سرایت می‌کند و در قالب رفتارها و اعمال، از او

^{۴۹}. سایت اهل‌ولاء، سخنان استاد، بخش مباحث عرفانی، قسمت بازخوانی و شرح مختصر کتاب مصباح‌الهدی^۱ و شرح کتاب شراب طهور.

^{۵۰}. مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۲۱۹ و نوری، مستدرک، ج ۱، ص ۱۳۱ و کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۲ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱، ص ۹۴.

ظهور می‌کند. بنابراین چهل روز اشتغال پیدا کردن به یک عمل صالح، چنین اثری دارد؛ یعنی آثار و برکات عمل را در باطن انسان نفوذ می‌دهد؛ باطن شخص را متحوّل و او را اهل آن عمل می‌کند. در بحث‌های قبلی توضیح داده‌ایم؛ که گاهی انسان مصاحب یک عمل است؛ یعنی عملی را انجام می‌دهد، اما اهل آن عمل نیست؛ یعنی باطن او، اهلّیت و سنخّیت با آن عمل ندارد و خود را به‌زور وادار به انجام آن عمل می‌کند؛ اما یک‌وقت باطن شخص با عمل اهلّیت پیدا می‌کند و اهل نماز، روزه، پاکی، تقوا، ایمان، توکل، صدق، شهامت، شجاعت، عشق و محبّت می‌شود. وقتی باطن اهلّیت پیدا می‌کند، اعمال و رفتارها به‌سهولت و گوارایی و نه با تلخی و دشواری، از فرد صادر می‌شود. این یکی از رازهای چهل روز مداومت کردن بر اعمال است.

استناد چهل‌نشین به حدیثی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : بزرگان اهل معنا و سلوک، عمدتاً چهل‌نشین را به حدیثی که از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده است، مستند می‌کنند. از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام هم از قول پیامبر و هم مستقلاً، شبیه آن حدیث، آمده است که: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»^{۵۱} اگر کسی چهل روز برای خدا اخلاص بورزد، خدای متعال چشمه‌های حکمت را می‌گشاید و حکمت از قلب شخص فوران می‌کند و بر زبان او جاری می‌شود. لذا چهل روز اخلاص ورزیدن را دستورالعملی برای چهل‌نشین و چهل روز به اعمال خاصی مشغول شدن، گرفته‌اند. در

^{۵۱}. مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۲۴۹ و قمی، سفینة البحار، ج ۲، ص ۶۶۸ و ابن‌فهدحلی، عدّة‌الداعی، ص ۲۳۲.

خود معانی این سنخ احادیث، احتمال‌های مختلفی وارد است. در کتاب "سرحق" به‌مناسبتی این

قبیل احادیث را، با عبارات مختلفی که با همین مضمون وارد شده است، نقل کرده‌ام.^{۵۲}

سه احتمال در فهم این حدیث مطرح شده است. بعضی گفته‌اند: اخلاص ورزیدن در چهل روز به این معنا است که در آغاز کار عمل شخص خالص نیست؛ اما طیّ چهل روز تلاش و مداومت، به مقام اخلاص می‌رسد. بنابراین شخص در پایان چهل روز صاحب اخلاص می‌شود؛ نه اینکه از روز آغازین این ویژگی را داشته باشد. عده‌ی دیگری گفته‌اند: این حدیث ناظر بر تحوّل طیّ چهل روز نیست؛ باید از روز اوّل در عمل شخص اخلاص باشد و این اخلاص تا چهلمین روز در او به‌قوت خود باقی بماند. گروهی هم در فهم این احادیث گفته‌اند: مقصود این است که فرد در آغاز راه از مراتب پایین‌تر و ضعیف‌تری از اخلاص برخوردار است؛ ولی اگر مداومت کند، در پایان ماه به اوج مرتبه و کمال اخلاص نائل می‌شود. حال اینکه کدام‌یک از این احتمال‌ها در حدیث مقصود است، وارد بحث آن نمی‌شوم. فقط خواستم اشاره کنم که اگر امری به نام "چهله‌نشینی" میان اهل معنا و سلوک رایج است، مستندشان را این قبیل احادیث قرار داده‌اند.

۲. تمرین بندگی و رسیدن به مقام اخلاص: فلسفه‌ی چهله‌نشینی در حقیقت تمرین بندگی کردن است و تجربه‌ی این است که می‌توان بنده‌ی مطیع خدا بود؛ گناه نکرد و در زندگی اهل طاعت بود. انسان چهل روز تمرین و کسب مهارت می‌کند و در عمل تجربه و باور می‌کند که می‌توان گناه نکرد؛ بنده‌ی مطیع خدا و خالص بود و به‌گونه‌ای بود که هیچ شائبه‌ای جز عشق الهی انسان را به عمل و ندارد؛ نه شائبه‌ها و اغراض دنیوی، مثل کسب مقام، مال، شهرت و خوش‌نامی به تدین،

^{۵۲}. طیب، مهدی، سرحق، ص ۳۲-۳۵.

تقوا و پاکدامنی، دستیابی به مقامات و مناصب و امثال اینها؛ و نه حتی اغراض اخروی؛ که رسیدن به بهشت و نعمت‌های آن، یا مصون ماندن از جهنم و عقوبت‌های الهی و امثال اینها است. می‌توان اخلاص داشت.

عمل خالص فقط از کسی سر می‌زند که به هیچ‌چیز جز خود محبوب نمی‌اندیشد و همه‌چیز را تحت‌الشعاع شخصیت محبوب، فدای او می‌کند؛ خواه جایگاه و موقعیت‌های دنیوی، مثل شهرت، و جاهت، آبرو، اعتبار، مقام، پُست، پول، ثروت، خانواده و بستگان و هرچه که شخص در دنیا دارد، و خواه جنبه‌های اخروی باشد.

گاهی اوقات مقدس‌مآبی‌ها انسان را از اخلاص و عمل خالص محروم می‌کند؛ که نمونه‌های فراوان آن را اشاره کرده‌ایم. اندکی قبل بود، به مناسبت ماجرای ردّالشمس گفتیم که چگونه بعضی مقدس‌مآب‌ها خودشان را از امیرالمؤمنین علیه السلام مقدس‌تر شمردند و وقتی حضرت امیر علیه السلام فرمودند: من در این سرزمین که مورد نفرین و عذاب الهی بوده است، نماز نمی‌خوانم؛ آنها گفتند: نه؛ نماز اول وقتمان از دست می‌رود؛ یا نمازمان قضا می‌شود؛ به جهنم می‌رویم و امثال این حرف‌ها. آنها از امیرالمؤمنین علیه السلام جدا شدند و با ایشان نماز نخواندند. آن سرزمین که طی شد، آفتاب غروب کرده بود. حضرت امیر علیه السلام دعایی خواندند و خورشید دوباره برگشت و خود حضرت امیر علیه السلام و اندک افرادی که آن تقدس خشک را نداشتند و مثل امیرالمؤمنین علیه السلام در آن سرزمین نماز نخواندند، به ایشان اقتدا کردند و با حضرت نماز خواندند. بعد مجدداً خورشید غروب کرد. در این موارد تقدس‌های خشک بی‌روح انسان را از اخلاص محروم و از خدای اولیای خدا علیهم السلام جدا می‌کند. شبیه این موارد زیاد است؛ که به آنها اشاره نمی‌کنم، زیرا بحث مفصل می‌شود.

پس این چهل روز برای رسیدن به مقام اخلاص است؛ تمرین بندگی خدا و بنده‌ی مخلص خدا بودن، از همه‌چیز گذشتن و همه‌چیز غیرخدا را فدا کردن است. این هرچیز، هیچ قیدی ندارد. به‌قول بزرگان: «كُلَّمَا شَغَلَكَ عَن رَّبِّكَ فَهُوَ صَنَمُكَ» هرچه تو را مشغول و پایبند خود کند؛ نمی‌گذارد در راه محبوب قدم برداری و ترمز تو شود، آن همان بت تو است. گاهی اوقات بت کسی پول و ثروتش است و نمی‌تواند از آن بگذرد؛ برای شخصی پست و مقام او است و نمی‌تواند از آن بگذرد؛ برای دیگری نام و شهرت او است و نمی‌تواند از آن بگذرد؛ برای یک نفر دیگر راحت و آسایشش است و نمی‌تواند از آن بگذرد؛ برای کسی سلامت و زنده بودن او است و نمی‌تواند از جانش بگذرد؛ برای یک نفر تقدس و خشک‌مقدس بودنش است و نمی‌تواند از آن بگذرد. مانع و ترمز شخصی نماز، روزه، تقوا، عبادت و مقدس‌مآبی او است و نمی‌تواند از اینها بگذرد؛ به‌هرحال «كُلَّمَا شَغَلَكَ عَن رَّبِّكَ فَهُوَ صَنَمُكَ». انسان اگر می‌خواهد موحد باشد، باید به مقامی برسد که بتواند از همه‌ی اینها عبور کند و هیچ‌چیز نتواند او را در رفتن به سمت رضایت الهی و اطاعت از فرمان خدا باز دارد و نقطه‌ی توقف او شود. هدف چهل‌نشینی، چهل روز از ماسوی‌الله بریدن و تنها به‌دستور الهی و رضایت خداوند عمل کردن است.

۳. خلوت با خدا و رهایی از غفلت: همین‌طور هدف چهل‌نشینی چهل روز با خدا خلوت داشتن؛ از غفلت رها شدن و به طاعت، عبادت و معنویت، توجه و تمرکز کردن است؛ زیرا ما بسیاری از اوقات در جریان زندگی روزمره غافل می‌شویم؛ توجه و تمرکزمان نسبت به طاعت، عبادت، بندگی خدا،

معنویت و چه بسا نسبت به یاد خدا و خوبان خدا از بین می‌رود و اسیر غفلت می‌شویم. چهل روز خلوت داشتن با خدا سبب می‌شود که این ویژگی در انسان نهادینه شود.

۴. عادت‌شکنی: چهل‌نشینی چهل روز از عادات و تمایلات شخصی بریدن و تنظیم کردن برنامه‌ی زندگی بر مدار بندگی است؛ چون چرخه‌ی زندگی ما عادت‌های خاصی را بر ما تحمیل کرده است. عادت داریم ساعت فلان دنبال فلان کار برویم و یا فلان برنامه یا اشتغال را داشته باشیم. به یکسری چیزها عادت کرده‌ایم و این عادت‌ها ما را از رشد محروم کرده است؛ چون عادت، اعتیاد است و اعتیاد متوقف‌کننده‌ی انسان. دیده‌اید که چگونه اعتیاد ظاهری افراد به مواد مخدر آنها را متوقف می‌کند! فرد اسیر مواد مخدر می‌شود و نمی‌تواند از آن جدا شود. اعتیاد مایه‌ی توقف است و عادت، انسان را از عبادت محروم می‌کند. اگر عملی عادت‌گونه از انسان سر بزند، حتی نماز، روزه و امثال اینها؛ آن عمل عبادت نیست؛ بلکه عادت است و فرد به آن عادت کرده است. در این زمینه روایات مفصّلی داریم.^{۵۳} عادت‌شکنی یکی از بزرگترین اهداف آموزه‌های دینی ما است. یکی از اهداف ماه رمضان نیز همین است. ماه رمضان بسیاری از عادت‌های ما نظیر عادات غذایی و ساعت خواب را به هم می‌زند و آنها را می‌شکند.

یکی از مقاصد بلند و بزرگ سیر و سلوک، رهایی از عادت‌هاست؛ چه عادت‌های رفتاری، چه عادت‌های اخلاقی و چه عادت‌های بینشی‌یی که انسان دارد؛ چون همه‌ی اینها عادت و اعتیاد است. ما عادت کرده‌ایم جهان را این‌گونه ببینیم. اگر بتوانیم از این عادت نجات پیدا کنیم، چیزهای دیگری را خواهیم دید که الآن نمی‌بینیم. نجات از اعتیاد و عادت، و عادت‌شکنی بحثی

^{۵۳}. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۶۸ و کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۵ و فیض، وافى، ج ۴، ص ۴۲۹ و مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۸.

بسیار مهم و کلیدی در رشد و تعالی انسان است. فرد باید هر عمل صالح را با روحیه‌ای انجام دهد که گویا برای اولین بار است که می‌خواهد آن کار را انجام دهد و تازه به این تصمیم رسیده است؛ در نتیجه عمل او همیشه شاداب و مبتنی بر یک تصمیم نو و زنده است، نه عادت‌گونه و تکراری. عادت‌های بد برای اول کار است؛ مانند عادت به معصیت، بدخلقی، اندیشه‌های پلید و امثال اینها؛ اما فرد در قدم‌های بعد باید بتواند عادات دیگری را ترک کند، مثلاً نماز که می‌خواند، به‌علت اینکه عادت کرده است، نخواند؛ بلکه هر بار به‌گونه‌ای باشد که گویا اولین نماز عمر خود را می‌خواند؛ این قدر شاداب و مبتنی بر یک تصمیم زنده و پرتراوت باشد. کما اینکه طرف دیگر آن را هم داریم؛ که هر نماز که می‌خواند، بنا را بر این بگذارد که آخرین فرصت عمر او برای نماز خواندن است و با نماز وداع می‌کند و «صَلَاةٌ مُّوَدَّعٌ»^{۵۴} می‌خواند. اینها در روایات است.

این چهل روز، به‌هم‌ریختن عادت‌های برنامه‌ی زندگی؛ یک چهله برنامه‌هایی متفاوت با برنامه‌های دیگر ایام تعریف کردن و چهل روز تمرین کردن برای بریدن از تمایلات شخصی است. در جریان زندگی روزمره عادت داریم به چیزهایی پردازیم که شخصاً به آنها مایلیم و برایمان لذت‌بخش و دوست‌داشتنی است.

در چهله‌نشینی انسان تمرین می‌کند که بتواند خود را از اسارت هوی، امیال و هوس‌ها رها کند و زندگی او نه بر مدار خواسته‌های نفسانیش باشد و نه بر مدار تکرار و عادت؛ بلکه آن را بر مدار بندگی خدای متعال قرار دهد.

^{۵۴}. امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۶۳ و کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۶۱ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۶۴ و مجلسی، بحار، ج ۱۰، ص

۵. تمرین طاعت و ترک معصیت: همین‌طور چهل‌نشینی چهل روز ترک معصیت، عمل به طاعت و کسب مهارتِ چنین ویژگی‌یی است، برای اینکه انسان آن را در همه‌ی ایام عمر خود توسعه دهد.

چهل‌نشینی یک گام بالاتر از اعتکاف

با توضیحاتی که دادم، شاید به ذهن شما هم آمده باشد که چهل‌نشینی یک گام بالاتر از اعتکاف است؛ چون بعضاً این ویژگی‌ها در اعتکاف هم وجود دارد و بنده هم خدمتان اشاره کرده‌ام.^{۵۵} می‌توان سه روز، یا بیش از سه روز، مثلاً یک هفته یا ده روز هم به اعتکاف اشتغال داشت. احادیث آن را هم خوانده‌ام که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ده روز از ماه مبارک رمضان را در مسجد معتکف می‌شدند؛^{۵۶} ولی عرصه‌ی چهل‌نشینی وسیع‌تر از سه تا ده روز است. چهل روز اشتغال به طاعت و عبادت است.

عزت و انقطاع در فرهنگ قرآن

اقتضای چهل‌نشینی، نوعی از دیگران بریدن، خلوت داشتن، خلوت‌گزینی و خلوت اختیار کردن است. در فرهنگ قرآن بریدن، عزت و انقطاع در سه افق مطرح شده است:

یک افق بریدن از گناهان و آلودگی‌های شخصی انسان است. قرآن فرمود: «وَالرُّجُزَ فَاهْجُرْ»^{۵۷} از

پلیدی‌ها هجرت کن؛ بپر؛ عزت اختیار کن و انقطاع در پیش بگیر.

^{۵۵}. سایت اهل‌ولاء، سخنان استاد، بخش مراقبات عبادی و اعمال مستحبی در سلوک عرفانی، قسمت مراقبات ماه رجب، ترک نکاتی در مورد اعتکاف.

^{۵۶}. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۵۷ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۰، ص ۵۳۴ و مجلسی، بحار، ج ۱۶، ص ۲۷۴.

^{۵۷}. سوره‌ی مدثر، آیه‌ی ۵.

دومین مورد، عزلت از محیطها، شهرها و مناطقی است که در آنجا نمی‌توان به اقتضای ایمان، زندگی و رفتار کرد و قوانین، مقررات، شرایط و نظامات اجتماعی مانع از آن است که انسان به تکالیف دینی خود عمل کند. اینجا هم بحث هجرت مطرح است. لذا قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ» هنگامی که ملائکه برای قبض روح کسانی می‌آیند که به خود ظلم کرده‌اند، از آنها می‌پرسند: شما کجا بودید؟ کجا زندگی می‌کردید که با این آلودگی، تباهی و سیاهی جان می‌دهید؟ آنها می‌گویند: «قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ» ما در سرزمینی زندگی می‌کردیم که در اقلیت و مستضعف بودیم. مستضعف بدین معنا که تحت سلطه‌ی فرهنگی، سیاسی، قانونی و اجتماعی بودیم و زورمان نمی‌رسید وظایف دینیمان را انجام دهیم. ملائکه در قالب یک سؤال پاسخ می‌دهند: «قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا»^{۵۸} آیا زمین خدا گسترده نبود که شما از آن شهر یا کشور به جایی هجرت کنید که بتوانید به وظایف دینی خود عمل کنید و این‌گونه نگون بخت و تباہ نشوید؟

نوع سوم هجرت، بریدن و انزال از جمع‌ها و افرادی است که غرق در معاصی و اهل دنیاطلبی هستند. این هم نوعی هجرت و عزلت اختیار کردن است. قرآن کریم به پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»^{۵۹} بر آنچه می‌گویند صبر و تحمل کن؛ به زیبایی و لطافت از اینها بپُور؛ با آنها قطع رابطه کن و عزلت اختیار کن.

^{۵۸}. سوره‌ی نسا، آیه‌ی ۹۷.

^{۵۹}. سوره‌ی مزمل، آیه‌ی ۱۰.

هجرت و خلوت در قرآن کریم در این سه بُعد مطرح است.

هدف نهایی هجرت و خلوت اشاره شده در قرآن

اصل در چهل‌نشین، خلوت دل است و هدف غایی هجرت، خلوت و عزلتی که قرآن به آن توصیه می‌کند، این است که دل انسان در خلوت با معبود خویش باشد. این اوج و غایت است. بُردن‌های ظاهری از دیگران، باید مقدمه‌ای برای رسیدن به چنین خلوتی در باطن باشد. البته برای اینکه انسان بتواند به این هدف دست پیدا کند، باید در اوایل امر بر اینکه دائماً در جمع دیگران و مشغول آنها باشد، تبصره‌هایی بزند و زمان‌هایی را برای تنها بودن خود تعریف کند. در زندگی‌های امروز بشر، فرد بعضاً زمان کمتری برای تنهایی با خود دارد و معمولاً فرصت‌های تنهایی او را هم شیطان تصرف می‌کند؛ یعنی اگر زمانی به خانه می‌آید که هیچ‌کس در خانه نیست و فرصتی برای خلوت و تفکر کردن دارد؛ بلافاصله تلویزیون، رادیو یا کامپیوتر روشن می‌شود؛ به اینترنت وصل می‌شود؛ ماهواره شروع به پخش برنامه می‌کند؛ تلفن زنگ می‌زند؛ یا به موبایل او پیامک می‌آید و امثال اینها فراوان است که خلوت‌ها را برهم می‌زند و نمی‌گذارد فرد خلوتی داشته باشد؛ خلوتی که خودش باشد و خدا و هیچ‌چیز دیگری او را به خود مشغول نکند. لذا در اوایل امر باید یک‌مقدار اینها را قطع کرد؛ یعنی انسان موبایل و کامپیوتر را خاموش کند؛ رادیو و تلویزیون را روشن نکند؛ به کسی وعده و قول ندهد؛ با دیگران برنامه نگذارد و در برنامه‌ی روزانه ساعاتی را برای تنها بودن با خود تعریف کند. در اوایل امر لازم است که انسان فرصت‌های خلوتی را برای خود فراهم کند؛ البته غایت این است که به خلوت دل برسد و کسی که به اینجا برسد، اگر به شلوغ‌ترین جمع‌ها هم

بیاید، خلوت او اصلاً آسیب نمی‌بیند. منتهی^۱ تا به اینجا نرسیده است، واقعاً نیاز دارد در برنامه‌ی زندگی، خلوت‌هایی را برای خود تعریف کند.

این خلوت، هم خلوت از دیگران است و هم خلوت از خودش. این مرتبه‌ی مهمتری است؛ که انسان بتواند همان‌طور که از شرّ ناس خلاص می‌شود، از شرّ نفس خود هم خلاص شود. همان‌طور که داریم: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ»^{۶۰}؛ و همان‌طور که داریم: «رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ»^{۶۱}؛ همان‌گونه هم داریم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا»^{۶۲} خدایا!

از شرّ نفس خودمان به تو پناه می‌بریم. انسان باید بتواند هم از دیگران و غیر خلوت داشته باشد و هم در خلوت خود، نفس خود را هم راه ندهد و بتواند در دل، با خدای خود خلوت کند. هنگامی که انسان به خلوت دل رسید، این خلوت با مراودات اجتماعی داشتن، صله‌ی رحم کردن یا انجام دادن مسؤولیت‌های اجتماعی، که انسان در قبال جامعه‌ی دینی خود دارد، منافاتی ندارد؛ ولی این هدف باید به تدریج به دست آید. مهم این است که دل انسان، از تعلق، وابستگی و اشتغال به غیر خلاص شود و وقتی این‌گونه شد، «دست در کار دنیا و دل در کار مولا» خواهد داشت. در جمع مشغول فعالیت است؛ اما به آن خلوت، ذره‌ای آسیب وارد نمی‌شود.

این‌گونه که نقل شده است و در روایات و سیره‌ها وجود دارد، خلوت در برنامه‌ی پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جایگاه مهمی داشت و ایشان از آن بهره می‌بردند؛ چه در سال‌های قبل از بعثت، خلوت‌هایی ایشان

^{۶۰}. سوره‌ی ناس، آیه‌های ۱، ۲ و ۳.

^{۶۱}. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۹۷.

^{۶۲}. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۲۳ و مجلسی، بحار، ج ۳۷، ص ۱۸۴ و صدوق، ثواب‌الاعمال، ص ۲۸۱.

که در غار حراء و فضاهای کاملاً بریده‌ی از جمع داشتند؛ و چه بعد از بعثت، که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خلوت‌هایی برای خود تدارک می‌دیدند. در روایات داریم: «إِنَّهُ كَانَ يَذْهَبُ إِلَىٰ حَرَاءِ أُسْبُوعًا أَوْ

أُسْبُوعَيْنِ»^{۶۳} پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به غار حراء می‌رفتند و یک یا دو هفته در آنجا بودند. خدا می‌داند در

آن خلوت، بین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خدا چه می‌گذشت! همچنین داریم: «إِنَّهُ كَانَ يُحِبُّ الْخُلُوتَ»^{۶۴}

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خلوت را دوست می‌داشتند. این اختصاصی به ایشان نداشت؛ همه‌ی انبیای الهی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فرصت‌های خلوتی برای خودشان داشتند.

همان‌طور که اشاره کردم، خلوت سه جنبه دارد: یکی خلاص شدن از شرّ نفس خود است؛ دیگری خلاص شدن از شرّ نفوس خلائق و جنبه‌ی سوم، با خدا بودن را بر با دیگران بودن ترجیح دادن.

این نکته‌ی مهمّی است که اگر بر سر دوراهی قرار گرفتیم، کدام را بیشتر می‌پسندیم؟ کدام را ترجیح می‌دهیم و برمی‌گزینیم؟ در دوران خلوت، انسان می‌گوید: برای من، بودن با خدا بر بودن با خلق ترجیح دارد و این را در خلوت خود تمرین می‌کند. بحث خلاص شدن از شرّ خلائق هم بحث مفصّلی است و چقدر روایت در این باب وجود دارد! ولی متأسّفانه برای پرداختن به آنها فرصت نداریم.^{۶۵}

^{۶۳}. مجلسی، بحار، ج ۱۵، ص ۳۶۳.

^{۶۴}. مجلسی، بحار، ج ۵۳، ص ۲۳۹ و ابن‌حیّون، شرح‌الاخبار، ج ۱، ص ۱۸۴ و بکری، الانوار فی مولد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ص ۲۷۸.

^{۶۵}. حرف‌های گفتنی فراوان است و هفته‌ای یک‌بار، زمان محدودی، در خدمت شما هستیم. البتّه امیدوارم همین چهار کلمه‌ای که در طول این زمان‌ها در جلسات خدمتتان گفته‌ایم و می‌گوییم، سبب شود چشمه‌های باطنتان باز شود؛ تا از اینکه کسی به شما بگوید، بی‌نیاز شوید و همه‌ی آنچه را که لازم است، از باطن و درون دریافت کنید. ولی برای گفتن‌های ظاهری، انسان احساس می‌کند زمان خیلی تنگ است.

احادیث فراوانی در فضیلت «اعْتِزَالِ عَنِ النَّاسِ»^{۶۶} داریم و اینکه انسان حتماً باید برای خود خلوت داشته باشد؛ همیشه با دیگران و همراه جمع نباشد؛ زمان‌هایی را برای خلوت با خود اختصاص دهد و خود را خیلی درگیر جامعه نکند. البته این به معنی رهبانیت نیست؛ اشتباه نگیرید! همچنین احادیثی داریم که چقدر سعادت‌مند است، فردی که وقتی به جامعه‌ای وارد می‌شود، کسی به او اعتنایی نمی‌کند؛ او را اصلاً نمی‌شناسند و در صدر مجلس نمی‌نشانند؛ جلوی پای او بلند نمی‌شوند؛ اگر اظهارنظری کرد، کسی به او اهمیتی نمی‌دهد یا اگر بخواهند مشورت کنند، برای مشورت گرفتن، سراغ او نمی‌روند و وقتی به خواستگاری برود، کسی به او دختر نمی‌دهد. از این تعبیر در روایات فراوان داریم.^{۶۷} فرصت نیست آنها برایتان بخوانم که افرادی که چنین ویژگی‌هایی را پیدا می‌کنند، انسان‌های برجسته‌ای هستند. همین‌طور بحث خمول ذکر، گمنامی در بین جمع و به تعبیر اهل معرفت: «دَمُ بَاشٍ وَ گَمُ بَاشٍ».

خلوت سه جنبه دارد: هم خلاصی از شرّ نفس خود؛ هم خلاصی از شرّ نفوس خلائق و هم با خدا و در محضر خدا بودن را، بر بودن با ما سوی‌الله، ترجیح دادن.

خلوت لوازمی دارد؛ که خود این لوازم چیزهای پربرکتی هستند. مثلاً لازمه‌ی تنها بودن، حرف نزدن است. هنگامی که من در کنار یک نفر هستم، شروع به حرف زدن با او می‌کنم؛ ولی وقتی

^{۶۶}. حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۱۲، ص ۱۸۵ و مجلسی، بحار، ج ۵۱، ص ۲۱۷ و لیبی‌واسطی، عیون‌الحکم، ص ۲۸۵ و مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۲۹۳.

^{۶۷}. ابن‌شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۲۸۴ و ۳۷۸ و صدوق، صفات الشّیعة، ص ۱۴ و مجلسی، بحار، ج ۷۵، ص ۱۶ و ۱۶۲ و ۲۶۴.

تنها هستیم، حرف نمی‌زنم. یکی از دستاوردهای خلوت که مایه‌ی رشد انسان است، صمت، سکوت و کم سخن گفتن است. انسانی که کم سخن می‌گوید، از آفات زبان هم مصون می‌ماند.

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: آیا جز درویده‌های زبان، چیزی انسان را به دوزخ می‌افکند و مبتلا می‌سازد؟^{۶۸} آفات زبان، بسیار وحشتناک است. به اندازه‌ای که زبان می‌تواند مرتکب معصیت‌های فراوان شود، امکان ندارد از هیچ عضوی از اعضای بدن انسان معصیت سر بزند. زبان بیشترین معاصی را می‌تواند مرتکب شود و سکوت انسان را از ارتکاب معاصی، و آفات و زیان‌های زبان باز می‌دارد. یکی از دستاوردهای خلوت سکوت و کم سخن گفتن است.

شرط خلوت‌های عارفانه، ذکر است؛ چه ذکر گفتن و چه ذاکر و به یاد خدا بودن، خود را در محضر خدا دیدن و حضور خدا را در کنار خود و در جان و وجود خود حس کردن. ذکر آثار پربرکتی دارد. بحث آن را در کتاب شراب‌طهور برایتان نوشته‌ایم و در شرح کتاب مصباح‌الهدی^۱ هم به‌طور مفصّل بیان کرده‌ایم.^{۶۹} ذکر مایه‌ی نورانیت قلب، کنار رفتن حُجُب و مبدأ بسیاری از کشف‌های باطنی و عرفانی است و این هم از دستاوردهای خلوت است.

دو روایت از امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام در بحث خلوت

امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ» زمانی بر مردم فرامی‌رسد که سلامت، عافیت و مصون ماندن در آن زمان، ده جزء دارد. «تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي اعْتِزَالٍ»

^{۶۸}. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۱۵ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۵۱ و مجلسی، بحار، ج ۱، ص ۱۵۰.

^{۶۹}. کتاب شراب‌طهور، ص ۲۸۳ - ۳۰۹ و سایت اهل‌ولاء، سخنان استاد، بخش بازخوانی و شرح مختصر کتاب مصباح‌الهدی^۱، (۱)، ترک‌های مربوط به ذکر.

النَّاسِ وَوَاحِدٌ فِي الصَّمْتِ»^{۷۰} نُه‌دهم عامل سلامت، مصونیت و عافیت، بریدن از خلق است و

یک‌دهم سکوت اختیار کردن و کم حرف‌زدن.

در روایت دیگر حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «لَا سَلَامَةَ لِمَنْ أَكْثَرَ مُخَالَطَةَ النَّاسِ» برای کسی که زیاد در

بین جمع، درگیر دیگران و دائماً با افراد مختلف است، سلامتی قابل تصوّر نیست. بالاخره روح او

آلوده و کدر می‌شود و او مرتکب گناه می‌گردد. «الْوَحْدَةُ رَاحَةٌ وَالْعُرْلَةُ عِبَادَةٌ»^{۷۱} تنهایی، وحدت و

تک‌بودن مایه‌ی راحتی و آسایش انسان است و عزلت و بریدن از خلق، یک عبادت است.

در بحث چهل‌نشین بودیم و در بحث خلوت یک پُرانتز باز کردیم؛ که خیلی طولانی شد. این

مورد را هم بگویم و از بحث خلوت خارج شویم.

خلوت کمک اخلاص است و مایه‌ی یاری و مددکار انسان است برای اینکه به سَمْعِه و ریا آلوده

نشود. "سَمْعِه" یعنی انسان عمل خود را به سَمْع و گوش افراد برساند و "ریا" یعنی عمل خود را

به دیده‌ی دیگران عرضه کند.

هنگامی که فرد در جمعی کار خوبی مانند عبادت، طاعت و یا خدمت به خلق انجام می‌دهد، این

خطر وجود دارد که انگیزه‌ی او به‌نوعی با خودنمایی، خود را مطرح کردن و یا جلب حسن‌ظنّ و

خوش‌گمانی دیگران به خود، آمیخته شود؛ اما کسی که در خلوت مشغول عمل صالحی است، آنجا

جز خدا، اولیای خدا و ملائکة الله، کسی نیست که او بخواهد عمل خود را مشرکانه و بدون اخلاص

^{۷۰} حرّ عاملی، وسائل الشّیعة، ج ۱۲، ص ۱۸۵ و مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۱۱۰ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۸.

^{۷۱} مجلسی، بحار، ج ۷۵، ص ۱۰.

انجام دهد و درصدد ریا و یا سُمعه باشد. اینها از آثار و برکات خلوت‌های عبادی است؛ که انسان اهل عبادت و خلوت از آن برخوردار می‌شود.

سه چهلّه‌ی مهم نزد اهل سلوک

پس از این مقدمه عرض می‌کنیم که اهل سلوک قائل به سه چهلّه‌ی مهم در طول سال هستند. دو چهلّه‌ی آن پی‌درپی است و از اوّل ماه رجب شروع می‌شود و تا آستانه‌ی بیست‌ویکم ماه مبارک رمضان ادامه پیدا می‌کند. شصت روز آن، دو ماه رجب و شعبان است؛ به‌علاوه‌ی بیست روز ماه مبارک رمضان که جمعاً هشتاد روز می‌شود؛ که دو چهلّه‌ی پیوسته است. کسی که از این دو چهلّه به‌خوبی بهره ببرد، برای درک و دستیابی به لیلۃ‌القدر مستعد می‌شود. لیلۃ‌القدر آفاقی یک بحث است و لیلۃ‌القدر انفسی که مهمتر است، بحث دیگری است.

چهلّه‌ی دیگر که جدای از آنهاست، از اوّل ماه ذی‌القعدة شروع می‌شود و تا روز عرفه ادامه دارد. به این چهلّه، چهلّه‌ی کلیمیّه یا موسویّه نیز می‌گویند؛ زیرا خدای متعال چنین چهل روزی را با موسی بن عمران علیه‌السلام قرار خلوت گذاشت. خدای متعال در قرآن کریم فرمود: «وَإِعْدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاتَّمَّنَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»^{۷۲} ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم و سپس آن سی شب را با ده شب تکمیل کردیم؛ در نتیجه میقات و قرار ملاقات موسی علیه‌السلام با پروردگارش جمعاً چهل شب شد. این قرار از اوّل ماه ذی‌القعدة شروع و به روز عرفه ختم گردید؛ لذا این ایام به

^{۷۲}. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۴۲.

یک چهله تبدیل شد. همچنین قرآن کریم فرمود: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»^{۷۳} آن هنگام که ما با موسی چهل شب وعده گذاشتیم.

اهمیت شب در سلوک و در چهله نشینی

قبلاً هم عرض کرده‌ایم که در اینجا تأکید روی «شب» هم فوق‌العاده است. نفرمود: چهل روز قرار گذاشتیم؛ بلکه فرمود: چهل «شب» قرار گذاشتیم. نقش شب در سیروسلوک چیست و خلوت‌های انسان در دل شب با خدای خود چه آثار فوق‌العاده‌ای دارد، بحث مستقلی است؛ که زمان جداگانه‌ای می‌طلبد و بعضاً هم به آنها اشاره کرده‌ایم. قرآن کریم در سوره‌ی مزمل، بعد از اینکه فرمود: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا»^{۷۴} ای پیغمبر! جز اندکی در شب نخواب و بقیه‌ی آن را بیدار و مشغول عبادت و تهجد باش؛ فرمود: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً»^{۷۵}؛ لذا شب در پروازهای معنوی و عروج عرفانی، فوق‌العاده‌گی دارد. اهل سلوک برای شب جایگاه ویژه‌ای قائلند.

چهله‌ی کلیمیّه یا موسویّه

چهله‌ی کلیمیّه یا موسویّه به این لحاظ تعریف شده و اهل سلوک این ایام را به این اعتبار برای چهله‌نشینی اختیار می‌کنند.

^{۷۳}. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۵۱.

^{۷۴}. سوره‌ی مزمل، آیه‌ی ۲.

^{۷۵}. سوره‌ی مزمل، آیه ۶. بی‌گمان عبادات نشأت‌یافته از شب گامی مستحکم‌تر و سخنی پای‌برجاستر است.

آداب چهل‌نشین

ابتدا به صورت کلی آدابی را که باید در چهل‌نشین مراعات شود خدمتان عرض می‌کنم؛ سپس هریک را به صورت مشروح توضیح می‌دهم.

اولین ادب، خلوت و عزلت است؛ یعنی وقت‌هایی را برای خلوت کردن به خودمان اختصاص دهیم. ممکن است در این ایام اشتغالات، کار یا وظایف خاصی داشته باشیم؛ اما تا آنجا که می‌توانیم فرصت‌های خلوتی برای خودمان، تعریف کنیم. در گذشته بعضی‌ها که در عبادات و سلوک خیلی جدی بودند؛ همه‌ی فعالیت‌هایشان را تعطیل می‌کردند؛ مرخصی می‌گرفتند و برنامه‌ی زندگیشان را طوری تعریف می‌کردند که در یک چهل‌ه با خدای خودشان تنها باشند؛ البته هم‌اکنون هم از این افراد هستند. اگر ما نمی‌توانیم این‌گونه باشیم، حداقل تا جایی که ممکن است، این خلوت و عزلت را چه در حال، چه در قلب و چه در نفسمان داشته باشیم.

دومین ادب، دوام بر طهارت است؛ یعنی در طول این چهل‌ه، انسان دوام بر طهارت داشته باشد؛ همیشه با وضو باشد و هیچ‌گاه ساعاتی را در حالی که غسل واجبی بر عهده‌اش باشد، طی نکند. در طول این چهل روز دوام بر طهارت و دائم‌الوضو بودن را، هم در طول روز و هم هنگامی که می‌خواهد به بستر برود و استراحت نماید، رعایت کند.

سومین ادب مداومت بر ذکر است؛ چه ذکر لسانی توأم با توجه باشد و چه ذکر حقیقی، که ذکر معنوی و توجه به حضرت حق و لحظه‌ای غافل نبودن از خدا است.

چهارمین ادب نفی خواطر کردن است. انسان باید همه‌ی خطوراتی را که به قلب و ذهنش وارد می‌شود، از وجود خود بیرون براند و اجازه ندهد هیچ فکری، نه تنها افکار آلوده و خلاف، بلکه افکار

مباح و مجاز هم ذهن او را به خود مشغول کند؛ که سبب شود او از یاد خدای متعال غافل گردد. به بحث ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در نفی خواطر و بیرون راندن خطورات، بعضاً اشارات مختصری کرده‌ایم و گفته‌ایم این ذکر چه آدابی دارد و اگر با آن آداب ادا شود، چه تأثیر فوق‌العاده‌ای بر خالی کردن فضای دل و ذهن انسان می‌گذارد.^{۷۶}

پنجمین ادب از آداب چهله‌نشینی، دوام بر صوم است؛ یعنی در طول چهله، روزه داشتن و مداومت کردن بر روزه.

ششمین ادب، مراقبه و دل خود را با حقیقت ولایت، مرتبط نگه‌داشتن است؛ چه ولایت کلیه‌ی مطلقه‌ی الهیه، که متعلق به امام معصوم علیه السلام است؛ و چه کسی که مربی معنوی انسان است و واسطه‌ای شده برای اینکه انسان را با امام خود قلباً آشنا، دل او را به امام متوجه و او را به امام وصل کند. توجه و ارتباط با او از راه دل را نبریدن؛ زیرا وجود او مثل یک پنجره و روزنه‌ای است که نور ولایت کلیه‌ی الهیه را وارد خانه‌ی دل انسان می‌کند.

هفتمین ادب از آداب چهله‌نشینی را ترک اعتراض به خدای متعال گفته‌اند؛ چون اغلب ما علی‌رغم تدبیر و تقدس‌مان نسبت به شرایطی که خدا در زندگی برای ما پیش آورده است، چه در جنبه‌های مادی و بعضاً حتی در جنبه‌های روحی و معنوی، به خدا اعتراض داریم؛ از خدا گله‌مندیم؛ با خدا دعوا داریم و ساخت و غضبناک بر خدا هستیم. (اینها تعابیری است که در احادیث وجود دارد و به آنها اشاره کرده‌ایم.^{۷۷}) در این چهله انسان اعتراض به خداوند را ترک کند؛ تسلیم خدا و پذیرای

^{۷۶}. ن.ک. به: مهدی طیب، شراب طهور، ص ۳۰۸.

^{۷۷}. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸.

آنچه که خداوند برای او مقدر کرده است، باشد؛ با خدا دعوا نداشته باشد؛ از خدا گله‌مند نباشد؛ خاطر او از خدا مکدر نباشد و از خدا دلخور نباشد.

هشتمین ادبی که برای چهل‌نشین ذکر شده، جوع و کم‌خوردن است. البته نه به این معنا که به قدری کم بخورد که رمقی برای او نماند و به خاطر ضعف، از حال برود. بلکه شکم‌چرانی و پرخوری نکند و دنبال لذت‌جویی از راه طعام نباشد. به حداقل ضروری اکتفا کند. از حداقل کمتر هم استفاده نکند؛ چون توان او را برای عبادت و طاعت در چهل می‌گیرد؛ اما بیش از آن حد هم به خوردن نپردازد. بحث جوع از موارد بسیار مهم است و یکی از پنج اصلی که در سلوک کمک‌کار سالک است، همین جوع است. به قول شاعر:

صمت و جوع و سحر و خلوت و ذکر به مدام *ناتمامان جهان را کند این پنج تمام*
اکنون این هشت ادب را به صورت مشروح، توضیح می‌دهم. البته اینها را که می‌گویم از عزیزان انتظار ندارم که همگی مشغول به انجام آنها شوند؛ زیرا ممکن است اقتضائات ما برای چنین کارهایی مساعد نباشد؛ یا ظرفیت روحی و استعدادمان کم باشد و مستعد نباشیم و یا اشتغالتمان اقتضای انجام چنین کارهایی را نکند؛ ولی شنیدن آن ضرری ندارد و اگر انسان موفق شود، تا حدی که برای او میسر و مقدور است هم به آنها عمل کند، بهره‌ای برده است.

نکاتی از بزرگان سیروسلوک در آداب چهل‌نشین

توصیه شده است هرگاه فرد بخواهد چهل‌نشین کند، از جمله چهل‌ی کلیمیه یا موسویه، در ایام چهل:

۱. هر روز صبح، دعای عهد، یعنی دعای «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ...»^{۷۸} را بخواند. در ابتدای صحبت اشاره کردم که در روایت این دعا آمده است، اگر کسی چهل روز آن را بخواند، از یاران بقیة الله الاعظم ارواحنا فدا خواهد بود و اگر قبل از ظهور از دنیا برود، خدا او را برای اینکه در رکاب و محضر حضرت باشد، به دنیا برمی‌گرداند.

۲. هر روز چهل مرتبه ذکر تسیحات اربعه را بگوید.

۳. بعد از گرفتن وضو آیه‌الکرسی بخواند؛ برای اهل قبور هم این آیه را بخواند؛ و یا خواندن آن را بعد از نمازهای صبح، ترک نکند.

۴. گفتن اذکاری در این چهل روز توصیه شده است؛ مانند ذکر «یا باقی»، روزی ۱۱۳ بار؛ ذکر «یا رَبُّ يَا اللَّهُ»، روزی ۲۰۴ بار؛ ذکر «یا صمد»، روزی ۱۳۴ بار؛ ذکر «یا علی»، روزی ۱۱۰ بار و ذکر «یا باسطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ»، ۴۰ مرتبه بعد از نماز صبح.

۵. در روزهای دوشنبه و چهارشنبه چهل مرتبه سوره‌ی تکاثر: «الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ»^{۷۹} را بخواند.

^{۷۸}. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۱۱۳ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۸۵ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای عهد.

^{۷۹}. سوره‌ی تکاثر، آیه‌ی ۱.

۶. در طول این چهله، هر روز زیارت عاشورا را بخواند.

۷. همان‌طور که اشاره کرده‌ایم، در طول روز با طهارت و با وضو باشد و هنگام رفتن به بستر هم با وضو باشد و با وضو به خواب برود.

۸. در ایام چهله حتماً هر روز نمازهای خود را اول وقت بخواند و مداومت بر خواندن نماز اول وقت داشته باشد.

۹. اگر توانست در سحر، صدبار استغفار نماید. این استغفار را هم ممکن است در قنوت نماز وتر (وتر) به زبان جاری کند و یا جدای از نماز، در کنار نماز خود صد مرتبه استغفار کند. اگر در سحر موفق نشد و برای این کار فرصت کم آورد؛ در این چهل روز حداقل صد مرتبه استغفار در طول روز را ترک نکند.

۱۰. در طول این چهل روز، هیچ روزی را بدون تلاوت قرآن و یا گوش سپردن به آن از دست ندهد.

۱۱. در این ایام بر ذکر و یاد خدا مداومت داشته باشد. همیشه خود را در محضر و منظر الهی ببیند و حس حضور را کاملاً حفظ کند.

۱۲. همان‌طور که اشاره کردم بر نفی خواطر مداومت داشته باشد. خطوراتی که ذهن و دل او را مشغول می‌کند، از دل بیرون براند. در این زمینه از ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» به خوبی می‌تواند استفاده کند. بیرون راندن همه‌ی افکار و تخیلات از ذهن و دل، یعنی اینکه من فقط خدا را می‌خواهم؛ جز خدا هیچ چیز نمی‌خواهم و فقط می‌خواهم مشغول به محبوب خودم باشم.

۱۳. در ادب هفتم به ترک اعتراض بر خدا اشاره کردم. در این زمینه دو جنبه وجود دارد: جنبه‌ی تکوینی، یعنی آنچه که خدا با ما کرده است و جنبه‌ی تشریحی، یعنی آنچه که به ما دستور داده که انجام دهیم. نسبت به هیچ‌یک از این دو مورد، یعنی آنچه خدا با ما کرده، یا آنچه خداوند به ما امر کرده است که انجام دهیم، معترض، دلخور، ناراضی و ناخرسند نباشیم.

۱۴. در هشتمین ادب به جوع و کم خوردن، به قدری که طاقت عبادت را از انسان نگیرد، اشاره کردیم. تا جایی که می‌تواند در طول این چهل‌روزه بگیرد و اگر همه‌ی این چهل روز را نمی‌تواند، حداقل روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه را روزه داشته باشد. اگر در این مدت، روزه‌ی روزهای خاصی هم مستحب است، آنها را هم از دست ندهد.

۱۵. نکته‌ی دیگر در آداب چهل‌نشینی، پرهیز از خوردن غذاهایی است که باعث سنگینی انسان می‌شود؛ نوعی رخوت، سستی و خواب‌آلودگی در فرد ایجاد می‌کند؛ شادابی، پرتوانی و سرزندگی برای عبادت را از انسان می‌گیرد و کسالت را بر او حاکم می‌کند. غذاهای سنگین، غذاهایی که ادویه‌جات فراوانی در آن به کار رفته است، غذاهای بسیار چرب و امثال اینها، چنین خواص منفی‌یی دارند.

۱۶. احتیاط کردن در لقمه؛ یعنی انسان هرچیز که پیش آمد، نخورد. چیزهایی که به حلال بودن آنها یقین دارد؛ چه به اعتبار خود شیء خوراکی و چه به اعتبار منبع درآمدی که به تهیه‌ی آن مواد غذایی یا شیء خوراکی منجر شده است، از هر دو منظر حلال باشد. در این ایام بیشتر دقت کند؛ هر کس هرچه داد، نگیرد و نخورد و تا به حلال بودن آن یقین پیدا نکرده است، حتی المقدور استفاده نکند.

البته اینها که گفتیم، برای اوایل راه است. در بحث رزق مفصل گفته‌ایم که هنگامی که فرد در سلوک به مرتبه‌ای از رشد رسید، خدا ولایت او را در دست می‌گیرد. وقتی به آنجا رسید، خدا اجازه نمی‌دهد کسی چیزی را که مشکل دارد، به او تعارف کند؛ که او استفاده کند. شخص در آن مرحله، در حریم امن الهی قرار می‌گیرد؛ خدا حریمی ایجاد می‌کند و او را محفوظ می‌دارد؛ در معرض آن چیزها قرار نمی‌دهد و نمی‌گذارد آن چیزها به سمت او بیاید؛ ولی در اوایل یا اواسط راه که هنوز این ویژگی در فرد ایجاد نشده است، باید مراقبت کند و در خوردن هرچه به او تعارف کردند و یا هرچیز خوشمزه‌ای که جلوی او گذاشتند و می‌تواند آن را بردارد و بخورد، احتیاط کند؛ تا با اطمینان بیشتری، لقمه‌ی حلال خورده باشد.

آثار لقمه‌ی حلال را هم گفته‌ام و به روایت آن هم اشاره کرده‌ام که: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا

نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ» اگر کسی چهل روز لقمه‌ی حلال بخورد، خدا به او نورانیت قلب عنایت می‌کند.

۱۷. خوراکی‌هایی را هم که مال افراد بخیل، پست، بی‌بندوبار و غیرمتدین است، نخورد و در این

چهل روز سعی کند سر سفره‌ی این‌گونه افراد ننشیند و غذای این‌گونه افراد را نخورد.

۱۸. سعی کند از هر پولی یا در هر منزلی، چیزی نخورد. خیلی احتیاط کند حتماً پول او حلال

باشد و مطمئن باشد که اهل منزلی که می‌خواهد مهمانشان شود، هم در حلال بودن کسبشان،

هم در پرداخت وجوهات شرعی‌شان و هم در پاکی و طهارت آنچه که می‌خواهند با آن غذا بپزند،

مقیّد هستند. این دقت‌ها را داشته باشد. تا جایی که می‌تواند، از هر فروشنده مواد غذایی تهیّه

نکند. حتی‌المقدور غذای بیرون، مثل فست‌فودها، رستوران‌ها، چلوکبابی‌ها و امثال اینها را نخورد و تا جایی که می‌تواند، خودش غذای مطمئنی را تهیه و آماده کند.

نخوردنی‌ها را گفتیم؛ اکنون بد نیست خوردنی‌ها را هم بگوییم.

۱۹. در ایام چهله‌نشینی توصیه شده است، انسان حلیم و زیتون بخورد. در این ایام خوردن اینها برای حالات فرد، مفید است. نکته‌ای درباره‌ی اینکه چرا به این دو مورد اشاره شده است، در ذهنم وجود دارد؛ ولی زمان نداریم اشاره کنم.

۲۰. نکته‌ی دیگر اینکه کمتر با دیگران هم‌صحبت شود؛ کمتر مشغول دیگران شود و با آنها نشست و برخاست کند؛ تا جایی که می‌تواند، به حداقل ضرورت اکتفا کند و بیش از آن، برای نشستن و حرف زدن با دیگران و نشست و برخاست با آنها وقت نگذارد.

۲۱. در طول این چهل روز موسیقی گوش ندهد؛ حتی مارش، سرود یا موسیقی‌یی که اول اخبار رسانه‌ها پخش می‌شود. یعنی به‌طور کامل از موسیقی مصون بماند. علت آن را هم گفتم و به روایت آن اشاره کردم، که اگر چهل روز در خانه‌ای موسیقی نواخته شود، غیرت و حیا از آن خانه رخت می‌بندد.

۲۲. چشم خود را از افتادن به غیر آنچه نظر بر آن واجب یا مستحب است، باز دارد و آن را کنترل کند؛ یعنی فقط به چیزهایی که دیدن آنها واجب یا مستحب است و ثواب دارد، نگاه کند. حتی به نگاه به مباحات نپردازد؛ چه برسد به مکروهات و محرمات.

۲۳. زبان خود را کنترل کند و آن را از گفتن جز چیزهایی که گفتن آنها بر او واجب یا مستحب است، باز بدارد. حرف‌هایی را هم که مباح است، نگوید؛ چه برسد به حرف‌های مکروه یا خدای نکرده حرام.

۲۴. حتی المقدور سعی کند جایی باشد که اگر می‌خواهد مشغول عبادت، تفکر یا ذکر شود، سروصدای دیگران نیاید. چه سروصدای خود افراد و چه صدای رادیو، تلویزیون و امثال اینها؛ چون همه‌ی این صداها ذهن ما را به فکر کردن به آن اشخاص و یا محتوای آن صحبت‌ها مشغول می‌سازند و تمرکز فکر و فراغت‌خاطر لازم برای اشتغال به ذکر خدا را از انسان سلب می‌کند. اینها نکاتی بود که بزرگان سیر و سلوک در آداب چهل‌نشین، به استناد روایات، توصیه کرده‌اند؛ که انسان به توفیق الهی و با امداد اهل‌بیت معصومین علیهم‌السلام لا اقل به مقداری که در این چهل‌نشین مقدور و میسر است و در حدی که در توان او باشد، عمل کند.



نماز یکشنبه‌ی ماه ذی‌القعدة

از دست ندادن توفیق خواندن نماز یکشنبه‌ی ماه ذی‌القعدة یکی از چیزهایی است که بر آن تأکید فوق‌العاده‌ای می‌کنیم و سال‌های قبل مکرر خدمتتان عرض کرده‌ایم. این نماز برای اولین یکشنبه‌ی ماه ذی‌القعدة وارد شده است؛ ولی قید خاصی ندارد. اگر کسی به دلیل عذر شرعی موفق به خواندن این نماز در اولین یکشنبه‌ی ماه ذی‌القعدة نبود، می‌تواند از یکشنبه‌های دیگر این ماه استفاده کند. در پایان روایتی که برایتان خوانده‌ایم، اصحاب از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پرسند: آیا این

نماز به یکشنبه‌ی ماه ذی‌القعدة اختصاص دارد؟ حضرت فرمودند: نه؛ کسی این نماز را هر زمان از سال، هر روز، هر شب، یا هر موقع بخواند، چنین آثار پربرکتی را که فوق‌العاده عظیم است، برای او در پی خواهد داشت. منتهی^۱ چون این هدیه‌ی آسمانی بزرگ در روز یکشنبه‌ی ماه ذی‌القعدة برای پیامبر ﷺ آورده شد و ایشان برای اصحابشان بیان فرمودند، مناسب است که انسان اگر مشکلی ندارد، این نماز را در یکشنبه‌ی ماه ذی‌القعدة، خصوصاً یکشنبه‌ی اول آن به‌جا آورد؛ در یکشنبه‌های دیگر این ماه هم آن را تکرار کند و امیدواریم در طول سال هم از آن بهره ببرد.

نحوه‌ی خواندن نماز یکشنبه‌ی ماه ذی‌القعدة

این نماز چهار رکعت است. در هر رکعت یک‌مرتبه سوره‌ی حمد، سه‌مرتبه سوره‌ی توحید، یک‌مرتبه سوره‌ی فلَق: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»^{۸۰} و یک‌مرتبه سوره‌ی ناس: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»^{۸۱} خوانده می‌شود.

نحوه‌ی خواندن این نماز به دو صورت نقل شده است: یا دو نماز دورکعتی که بعد از سلام دو رکعت اول، بلافاصله انسان بلند می‌شود و نیت دو رکعت بعد را می‌کند و در نتیجه جمعاً چهار رکعت می‌شود؛ یا اینکه این چهار رکعت به‌شکل پیوسته انجام می‌شود با نیت یک نماز چهاررکعتی.^{۸۲} در رکعت دوم آن تشهد و سلام نیست و فقط در پایان رکعت چهارم تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد. خواندن این نماز به هر دو صورت توصیه شده است. با توجه به اینکه

^{۸۰}. سوره‌ی فلَق، آیه‌ی ۱.

^{۸۱}. سوره‌ی ناس، آیه‌ی ۱.

^{۸۲}. قاعده این است که نماز مستحب دو رکعتی است؛ ولی استثنائاتی وجود دارد. نماز مستحبی یک رکعتی داریم؛ مثل نماز وتر و موارد خاصی که تصریح شده است؛ مثل نماز دوازده‌رکعتی پیوسته‌ای که سیدین طاووس برای شب عید غدیر نقل کرده است.

وقت بسیار کمی می‌گیرد؛ چه خوب است انسان به هر دو صورت بخواند؛ که هر یک از این دو در روایت مقصود بوده است، به آن عمل شده باشد. بلافاصله بعد از سلام نماز باید هفتادبار استغفار کند و ذکر «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ» را بگوید.

نمازهایی که در روایات گفته شده است: بعد از سلام نماز فلان ذکر را بگویید، بهتر است بعد از سلام، ذکر مستحبی دیگری نگوید. حتی سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» را که مستحب است بعد از سلام نماز گفته شود، احتیاطاً نگوید. بلافاصله بعد از اینکه سلام نماز را دادید، تسبیح را بردارید و استغفار کنید. در مورد استغفار کردن هم گفته‌ایم به چه صورت عمل کنید.^{۸۳}

بعد از هفتادبار استغفار، می‌گوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ سپس این دعا را می‌خواند: «يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ! اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»^{۸۴} ای خدای عزیز! ای خدایی که جبار و ترمیم‌کننده، غفار و بخشنده هستی! گناهان مرا و گناهان همه‌ی مردان و زنان مؤمن را ببخش؛ که جز تو بخشنده‌ی گناهی وجود ندارد و جز تو کسی نیست که گناهان را ببخشد.

این نماز آثار و برکات فوق‌العاده‌ای دارد؛ که قبلاً عرض کرده‌ام. وقتی به آن صحبت‌ها مراجعه کنید، رغبتتان برای از دست ندادن این نماز به مراتب بیشتر می‌شود.

^{۸۳}. به فایل‌های آن صحبت‌ها مراجعه و به ظرائفی که در این استغفارها می‌توان مراعات کرد، توجه کنید. سایت اهل‌ولاء، سخنان استاد، بخش مراقبات عبادی و اعمال مستحبی در سلوک عرفانی، قسمت مراقبات ماه ذی‌القعدة، ترک‌های ۱-۴.

^{۸۴}. سیدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۰۸ و نوری، مستدرک، ج ۶، ص ۳۹۷ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال‌ماه‌ذی‌القعدة.

مناسبت‌های هفته‌ی پیشارو

یک مناسبت تاریخی بسیار بزرگ در هفته پیشاروی ما قرار گرفته است.

اشاره کرده‌ایم که در ماه ذی‌القعدة مناسبت‌های متعددی در رابطه با خانواده‌ی هفتمین امام، حضرت موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام، قرار دارد.

ميلاد حضرت معصومه علیها‌السلام

اولین مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها‌السلام، دخت بزرگوار امام کاظم علیه‌السلام، خواهر بزرگوار علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام و عمه‌ی بزرگوار امام جواد علیه‌السلام است که در روز اول ماه ذی‌القعدة واقع شده است.

در طول این سال‌ها در مورد میلاد این بزرگوار، همین‌طور شخصیت و زیارت ایشان و شهر قم فراوان صحبت کرده‌ام. عزیزان به مجموعه صحبت‌هایی که قبلاً کرده‌ایم، مراجعه فرمایند.^{۸۵}

میلاد این بانوی بزرگوار را که در جمهوری اسلامی برای بزرگداشت دختران اهل‌معنا، ایمان و ولایت، به‌عنوان روز دختر نامگذاری شده است، به محضر حضرت بقیه‌الله‌ارواح‌نافه‌ا، به برادر بزرگوارشان، علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام و به همه‌ی شیفتگان این بانوی نور، طهارت، کمال، علم و معرفت، تبریک و تهنیت می‌گوییم و امیدواریم خدای‌متعال بیش از پیش توفیق استضاءه از انوار این بانوی بزرگوار را به همه‌ی ما عنایت فرماید.

^{۸۵}. سایت اهل‌ولاء، سخنان استاد، بخش مباحث سیره و تاریخ، قسمت آشنایی با شخصیت و زندگی امامزادگان علیهم‌السلام، ترک‌های میلاد و رحلت حضرت معصومه علیها‌السلام.

از اینکه به بحث نماز نرسیدیم، عذر می‌خواهم. امیدواریم خدای متعال توفیق دهد جلسه‌ی بعد وقت بیشتری را به بحث نماز اختصاص دهیم و بتوانیم این بحث را که به پلّه‌های آخر آن نزدیک می‌شود، پی‌بگیریم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ